



کتاب «شطرنج» از کدام شاعر قدیمی ایران است؟



شاید بارها از خیابان «فرصت شیرازی» در تهران، شیراز یا برخی شهرهای دیگر رد شده باشید؛ اما ندانید که این، نام یکی از پیشروان فرهنگ مدرن در دوران منتهی به مشروطه‌خواهی است که در زمین‌های مختلف دانشی، فردی جامع‌الاطراف بود؛ از فقه و شعر گرفته تا تألیف «رساله شطرنجیه»! به گزارش ایسنا، میرزا محمد نصیرالحسینی را که در شعر «فرصت» تخلص می‌کرد و از این رو به فرصت شیرازی (فرصت‌الدوله شیرازی) معروف شد، شاید به‌سان شخصیت‌های دیگری چون وصال شیرازی و شوریده شیرازی، بیشتر به‌عنوان یکی از جمیع شاعران شیرازی در ذهن داشته باشیم؛ اما واقعیت این است که او در حوزه‌هایی چون نقاشی، موسیقی، جهانگردی، زبان‌شناسی، نقشه‌کشی، تاریخ‌پژوهی و غیره نیز کارهای قابل توجهی انجام داده است. در حوزه‌هایی چون حساب، هندسه، فقه، معماری، باستان‌شناسی، فلسفه، منطق، اصول و کلام نیز سرشته داشته و بعضاً آثاری بر جای گذاشته است. ضمن آنکه علاوه بر ادبیات فارسی، بر ادبیات عربی نیز مسلط بوده است.

فرصت شیرازی سال ۱۲۳۳ خورشیدی در شیراز متولد شد و پس از حدود ۶۶ سال زندگی پُر نقش، در سال ۱۲۹۹ خورشیدی در همین شهر چشم از جهان فرو بست. پیکر او را درست در مجاورت مزار حافظ شیرازی و در ضلع شمالی آن دفن کردند. پس از سالها و در طرح نوسازی آرامگاه حافظ، سنگ قبر او را که به یکی از شعرهای خودش مزین بود، به موزه سنگ واقع در عمارت هفت‌تانه شیراز منتقل کردند و به جایش یک سنگ قبر خارج از بنای فعلی در همان قسمت شمالی محوطه آرامگاه نصب کردند. او شاید بیش از هر چیز به نقاشی علاقه داشت. با همین هنر بود که در جوانی به‌عنوان مربی نقاشی به حریم دربار سلطنتی قاجار راه یافت و لقب فرصت‌الدوله را هم مظفرالدین شاه که به او علاقه داشته، اعطا کرده است. در همین حوزه ظاهراً به طراحی فرش و قلمزنی و نیز نقشه‌کشی سازه‌ها و مناطق هم پرداخته است.

خودش گفته است: «...در این اوقات که سنم تازه به یازده رسیده بود، بسیار مایل شدم که گاهی در صنعت نقاشی نیز اوقاتی صرف کنم. به‌واسطه اینکه پدرم در زمان طفولیت، تفنناً به حکم پدرش بدین علم مبادرت نموده بود و در فنون نقاشی تذهیب را دارا بود و صفای صحایف را زینت‌آرا، ولی من مایل به صورتگری بودم و این کالای والا را مشتری. بسیاری از کارهای فرنگستان و باسماهای انگلستان را جمع کرده، از روی آنها مشق می‌کردم و به پدر خود می‌نمودم و تعلیم می‌گرفتم. اتفاقاً اگر به استادی می‌رسیدم نیز کسب اطلاع می‌کردم و از روی برهان این عمل را به درجه کمال رسانیده که مدد معاش والدین و اخوان و متعلقاتم از این رهگذر

...صورتگری است پیشم آن‌سان که فی‌المثل / گر از صنایع به‌سوی چین کند گذار صورتگران چین همه گردند منفعل / وز صنع خویشان همه آیند شرمسار اندر عراق و پارس درین صنعتم شهر / مشهور هر دیارم و معروف شهریار ... فرصت از جمله شهروندان دوران قاجار است که به اروپا سفر و در آنجا تحصیل کرده است. در همین رفت و آمدها، از متخصصان غربی خط میخی را هم آموخت و در این زمینه نیز یکی از اولین‌ها شد. علاوه بر اینکه سال‌ها پایانی عمر را در حالتی سکون و انزواگونه به جذب‌های عرفانی می‌پرداخته، ظاهراً ازدواج نکردن او باعث شده است با فرصت بیشتری به سرکشی در علوم و فنون فرهنگی و هنری، مخصوصاً در سفر به نقاط مختلف، بپردازد. گاهی در آثارش به عبارتهایی از زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، هنری، سانسکریت، لاتین، بنگالی و عربی اشاره‌هایی دارد که نشان می‌دهد با این زبان‌ها دست‌کم آشنایی نسبی داشته است.

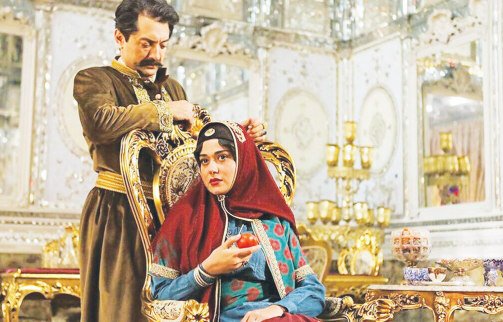
«بحرالاحیان»، «دریای کبیر» و «آثار عجم» از مهمترین آثار کتابی فرصت‌الدوله شیرازی هستند. او همچنین اثر مکتوبی دارد به‌نام «رساله شطرنجیه» که می‌توان گفت، قرن‌ها پس از کتابی در این زمینه که ایوریجان بیرونی از هند آورد، نخستین کتاب ایرانی است که در زمینه بازی شطرنج به‌نگارش درآمده و ما از آن اطلاع داریم. او ظاهراً این کتاب را در عنقوان جوانی و حدود ۱۸ سالگی‌اش نوشته که می‌شود حدود ۱۲۵۰ خورشیدی، یعنی حدود ۱۵۰ سال پیش. خودش نوشته است: «کتاب شطرنجیه که از تالیفات من است، در آن یک ده سال که حسام‌السلطنه والی فارس بود، به اسم او نوشتم و در آن کتاب نخست از حرمت برد و باخت آن بیاناتی کرده‌ام و بعد منافع علم آن را شرح داده‌ام و نام مختصر و سبب اختراع آن را و انتسابی که شطرنج به علم اعداد دارد و ادوات و آلات آن را همه بیان نموده‌ام. بالجملة کتاب را از نظرش گذرانیده‌ام و ایضاً خلعتی شایگان و انعامی شایان یافته‌م. فرصت شیرازی در قفسه‌های ۵۰ بیبی نیز آورده است؛ خیز و هین شطرنج را ای خادم محفل بیار تا که یک‌دم با حریف خود نمایم کارزار گسترم نیکوبساطی پس پی پیکار خصم لشکر آرایم همی در آن بساط از هر کنار اورم آنکه نخستین شاه را در قلبیگ خود وزیرش در یمین و ژنده پیش در یسار در یسار پیل، اسب و در یسار اسب، رخ باز پیلی را دهم در جانب فرزین قرار باز اسب و باز رخ اندر یمین ژنده پیل پیش‌رو زانها پیاده خود قطار اندر قطار

مثلث عشقی «شهرزاد» در «جیران» تکرار شده است

منتقد سینما:

نیست. اما در اندازه خودش جذابیت‌هایی دارد. منتقد سینما و تلویزیون درباره دیگر شباهت‌های شهرزاد و جیران بیان کرد: در آخرین قسمت سریال جیران زن درباری با نام نقره بچه‌ای را مسموم می‌کند. عین این صحنه را قبلاً در شهرزاد دیده بودیم. ولی آنجا زن موفق نمی‌شود که بچه را بکشد. جمشید مشایخی ناصرالدین شاه بهتری بود

عشقی ضمن مقایسه جیران با سلطان صاحبقران توضیح داد: سریال علی حاتمی از لحاظ بازیگری صحنه آرای و طراحی لباس خیلی شکوهمند بود. جمشید مشایخی نسبت به بهرام رادان ناصرالدین شاه بهتری بود. رادان در سریال جیران دارد تلاش خودش را می‌کند و در نوع خودش بد نیست. ولی جمشید مشایخی چهره باورپذیرتری از ناصرالدین‌شاه را آفرید.



وی با بیان این که جیران صحنه‌های زاید و غیرقابل باور زیاد دارد گفت: تاریخ‌سازی‌های سریال یک جاهایی خیلی جعلی است. یک فیلمساز برای تبدیل تاریخ به نمایش باید در جزئیات دستکاری و تاریخ را دراماتیزه کند. ولی در ماهیت تاریخ نباید دست ببرد. مثلاً اسپارتاکوس استلنی کوبریک یک مثلث عشقی را وارد روایت کرده است. او تاریخ را جذاب‌تر می‌کند اما در ماهیت تاریخ دست نمی‌برد.

منتقد سینما و تلویزیون با اشاره به این که در سریال‌های ایرانی گاهی ماهیت تاریخی آدم‌ها تغییر می‌کند اظهار داشت: کارگردان جیران آنقدر معطوف به مسائل عاطفی داستان شده است که اصلاً نمی‌توانید تاریخ را ببینید. مثلاً نمی‌فهمید در دوران قاجار و ناصرالدین‌شاه اوضاع طبقات جامعه و نقش کشورهای بزرگ چه بوده است. سریال صحنه‌هایی در این رابطه دارد ولی خیلی در حاشیه است. مخاطب بیشتر یک داستان زنانه و عاشقانه را می‌بیند. به جای ناصرالدین‌شاه این سریال می‌توانید بزرگ آقا را با همین داستان بگذارید. قهرمان داستان اصلاً می‌توانست شاه نباشد. همچنین سریال مواردی دارد که می‌تواند جعل تاریخ به حساب بیاید.

به گزارش ایرنا، جیران یک سریال در ژانر عاشقانه تاریخی به کارگردانی حسن فتحی، نویسنده‌ی احسان جوانمرد و فتحی و تهیه‌کنندگی اسماعیل غفیفه است. داستان این مجموعه به وقایع بعد از مرگ امیرکبیر و آشنایی ناصرالدین‌شاه با خدیجه تجریشی ملقب به جیران می‌پردازد. تاکنون ۲۷ قسمت از فصل نخست این سریال پخش شده است.

در این سریال بازیگرانی همچون بهرام رادان، پریناز ایزدیار، امیرحسین فتحی، امیرجعفری، رویا تیموریان، مهدی پاکدل، رعنا آزادی‌ور و میرلا زارعی به ایفای نقش می‌پردازند.

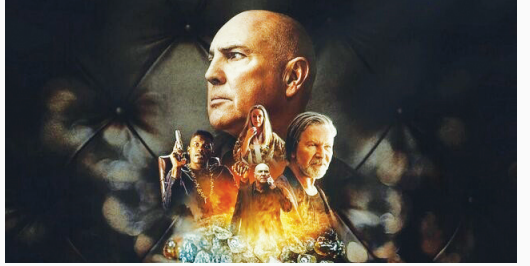
«شهرزاد» در «جیران» در زمان و مکانی دیگر تکرار می‌شود گفت: در هر دو سریال یک مثلث عشقی با یک زن و دو مرد وجود دارد که یکی از مردها در رأس قدرت است. ناصرالدین‌شاه همان قباد شهرزاد و سیاوش همان فرهاد دماوندی است. جیران هم جای شهرزاد نشسته است.

بهراد عشقی، مدرس و منتقد سینما و تلویزیون در گفت‌وگو با خبرنگار رادیو و تلویزیون ایرنا ضمن بیان این مطلب اظهار داشت: هفت قسمت اول سریال جیران را که دیدم نگاه مثبتی به آن نداشتم. ولی وقتی جلوتر رفت احساس کردم در مقایسه با سریال‌های ایرانی قابل قبول‌تر است. بازی‌ها و روایت و دیالوگ‌های سریال جذاب‌تر است و موقیبت‌های دراماتیک درگیرکننده‌ای دارد. گاهی زوایدی دارد که ممکن است مخاطب را اذیت کند.

ناصرالدین‌شاه در ناکجا آباد زندگی می‌کند

وی افزود: این سریال گوشه چشمی به سریال ترکی حریم سلطان دارد و تمرکزش بیشتر روی حرمسرای دوران ناصرالدین‌شاه و توطئه خواجه‌ها و زن‌های دربار است. جیران تصویری می‌سازد که انگار ناصرالدین‌شاه و زن‌هایش در یک ناکجا آباد زندگی می‌کنند. در واقع تصویر عمیق و دقیقی از مناسبات اجتماعی و سیاسی آن دوران نمی‌دهد. احتمالاً هدف کارگردان همین بوده و نتوانسته وارد حیطه‌های سیاسی و اجتماعی بشود. در جیران شاهدیم که تمرکز سریال روی مناسبات زن‌ها و درباریان و خواجه‌هاست. عشقی با اشاره به امتیازهای حسن فتحی در کارگردانی بیان کرد: او درام را خوب می‌شناسد و با شب دهم نشان داد که نمایشنامه‌های بزرگ جهان را زیاد می‌خواند. از عهده شخصیت‌پردازی و کنش‌کش‌های دراماتیک به خوبی برمی‌آید و به بازی‌ها توجه دارد. در سریال‌های او مخاطب بازی ضعیف و پیش پا افتاده نمی‌بیند. البته اگر جیران را با شهرزاد مقایسه کنید، کیفیتش به آن اندازه

«تفلیکس» سراغ آفریقا رفت اما با همان نگاه کلیشه‌ای



«لودیک» یکی از سریال‌های تفلیکس با محوریت زندگی یک خلافکار آفریقایی است. سریالی که باز هم با همان نگاه کلیشه‌ای، مجرمی خشن و از فقر نجات یافته غیرغربی را به تصویر کشیده است.

به گزارش ایسنا به نقل از الجزیره، کمتر پیش می‌آید که پلتفرمی مثل تفلیکس به دنبال خلق قهرمانی از دیار آفریقا باشد. سریال «لودیک»، یکی از سریال‌های جدید تفلیکس است که با محوریت یک مرد آفریقایی، اشاره به دنیای گسترده‌ای دارد که داستان‌های فراموش شده زیادی را می‌توان از دل آن بیرون کشید.

این سریال به زبان آفریکانس که در جنوب آفریقا رایج است، ساخته شده و درباره قهرمانی به نام دان لودیک است؛ مردی عصبی، اجتماعی و قوی چنه که از فقر به ثروت می‌رسد.

شخصیت اصلی داستان فردی است که به یک گول بزرگ تولید لوازم خانگی تبدیل شده و بیلبردهای تبلیغاتی محصولات او در تمام شهر دیده می‌شود اما اینها تنها قسمت کوچکی از ماجراهایی است که اضطراب و هیجان را به بیننده منتقل می‌کند.

زیاد طول نمی‌کشد که بیننده متوجه می‌شود مرد خانواده و مدیرعامل شرکت، قاچاق‌الماس می‌کند و با ربوده شدن یکی از اعضای خانواده‌اش اوضاع از کنترل او خارج می‌شود. در طول شش قسمت، شاهد سریالی اکشن هستیم که گاهی یادآور سریال «خانواده سوپرانو» ساخته دیوید جیس است اگر چه موضوع سریال «لودیک» خیلی به پیچیده نیست.

حال این سؤال پیش می‌آید که شبکه تفلیکس آفریقا را در درام‌هایش چگونه می‌بیند؟ بزرگ شدن قهرمان داستان بر اساس

ثروتمند شدن یک شخص فقیر از طریق کارهای خلاف قانون، کلیشه‌هایی آشنای این پلتفرم در مورد آفریقا است که در این سریال هم دیده می‌شود. مردی خشن که خود را معیار قانون در دنیا می‌داند و با ارتکاب جرم از فقر فرار کرده است؛ این‌ها همگی نگاه کلیشه‌ای شرق شناسان غربی به ثروتمندان غیرغربی است.

دان، علیرغم بیماری فرزندش اصرار دارد که او را به مدرسه بفرستد و با شخصی که او را فریب داده به بدترین شکل برخورد می‌کند. تنها نقطه مثبت این شخصیت این است که او به خاطر قولی که به خواهر مرحومش داده از شوهر خواهرش که یک شخص معتاد به الکل و پردردسر است مراقبت می‌کند.

الجزیره در پایان درباره سریال «لودیک» نوشته است: سریال «لودیک» پر از تصنیات و تفکرات کلیشه‌ای درباره یک مرد آفریقایی از منظر شرق شناسانه غربی است؛ داستانی پر از جرم، جنایت، آدم‌ربایی، فقر و تربیت سختگیرانه که گویا اروپایی‌ها هیچوقت از ساختن آن‌ها خسته نمی‌شوند!

عکس روز:



آبشار شوی دزفول

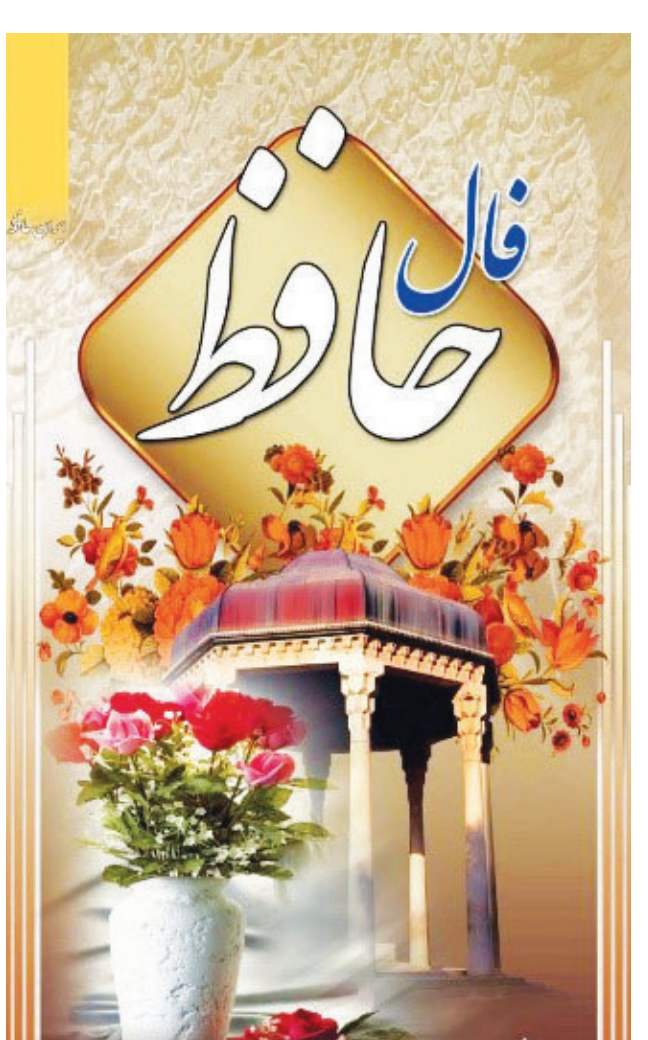
عکس روز:



آبشار شوی دزفول



امروز شما



- مهر**
 - فروردین**
 - اردیبهشت**
 - آبان**
 - آذر**
 - خرداد**
 - تیر**
 - دی**
 - بهمن**
 - اسفند**
- یک تشنج عاطفی در خانواده پیش می‌آید که به زودی از بین خواهد رفت. البته مشروط بر اینکه با استدلال و منطق با آن برخورد و رفع شود.
- اشیا و اشخاص زیادی هستند که می‌توانند روحیه تو را تغییر داده و به تو احساس جدیدی از خوشبختی و رفاه بدهند. سعی کن کسی را که دوست داری همیشه در نظر داشته باشی و خوشحالی‌ها یا غم‌هایت را با او تقسیم کنی.
- با خود فکر می‌کنی که فرصت بزرگ و طلایی زندگی‌ت را از دست دادی و بسیار پیش از حد معمول به آن فکر می‌کنی. تنها راه جبران گذشته، تیزبینی، مقاومت در برابر مشکلات و درس از آن است. هنوز فرصت جبران و بدست آوردن شرایط مشابه یا حتی بهتر وجود دارد البته استفاده از این فرصت در گرو عملکرد تو خواهد بود.
- عشق را نمی‌توان پنهان کرد. بالاخره از جایی خود را نشان می‌دهد. بخصوص چشم‌ها که همیشه گواهی دهنده عشق و اندوه‌ها هستند. بهتر است آشکارا از خواسته‌های خود دفاع کنی و نگران نباشی.
- نیاید به افراد با دید سطحی و ناپخته نگاه کنی. باید با هشیاری و توجه بیشتر بدانی پشت هر ظاهر و رفتاری چه نیتی نهفته است. با کشف این حقایق می‌توانی زندگی عاطفی‌ات را بهبود بخشی و منتظر آینده روشنی باشی.
- رابطه تازه‌ای ایجاد خواهد شد. اگر مجرد هستی، می‌توانی امیدوار باشی که به زودی از این وضعیت خارج خواهی شد. شروع این رابطه بسیار موفقیت‌آمیز خواهد بود.